

Analysis of cultural policies of Dutch colonialism in Indonesia (1619-1942)

Sayyed Mohsen Miri ¹

(DOI): [10.22034/mte.2023.13889.1633](https://doi.org/10.22034/mte.2023.13889.1633)

Abstract

Original Article

P 29 - 50

Since the emergence of colonial countries, the Indonesian archipelago has always been coveted and invaded by colonial countries such as Portugal, England, and especially the Netherlands due to its rich resources. With its long-term presence in this region, Dutch colonialism implemented cultural, political, economic, etc. policies that had many consequences. The current research intends to answer this basic question with the descriptive-analytical method and the method of collecting information in the form of a library, what were the cultural policies of the Dutch colonialism during their presence in this country and what changes did they go through and also what consequences has it had? In this article, firstly, the historical background of the archipelago until the presence of colonialism is briefly discussed, and then the presence of the Netherlands in the region is divided into four periods, and while addressing the cultural policies of each period, the consequences and people's reactions to those policies are examined and the fate of those policies and their success or failure are discussed.

Key words: Indonesian archipelago, Netherlands, cultural policies, moral policies,

1 - Department of Islamic Studies and the Contemporary World, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Tehran, Iran.

sm_miri@miu.ac.ir

Received: 2022/06/12 | Accepted: 2023/01/28



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تحلیل سیاست های فرهنگی استعمار هلند در اندونزی (۱۶۱۹-۱۹۴۲)

سید محسن میری^۱شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/mte.2023.13889.1633](https://doi.org/10.22034/mte.2023.13889.1633)

علمی - پژوهشی

ص: ۵۰/۲۹

چکیده

از زمان پیدایش کشورهای استعماری، مجمع‌الجزایر اندونزی به دلیل منابع غنی و سرشار خود، همواره مورد طمع و تجاوز کشورهای استعماری هم‌چون: پرتغال، انگلیس و خصوصاً هلند بوده است. استعمار هلند با حضور طولانی مدت خود در این منطقه سیاست‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را به اجرا گذاشت که پیامدهای فراوانی را به دنبال داشت. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای به این پرسش اساسی پاسخ گوید که سیاست‌های فرهنگی استعمار هلند در طی حضور خود در این کشور چه بوده و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته و چه پیامدهایی را داشته است؟ در این نوشتار ابتدا به صورت اجمالی به سابقه تاریخی مجمع‌الجزایر تا حضور استعمار پرداخته می‌شود و سپس حضور هلند در منطقه به چهار دوره تقسیم می‌شود و ضمن پرداختن به سیاست‌های فرهنگی هر دوره، پیامدها و واکنش مردم نسبت به آن سیاست‌ها بررسی می‌شود و سرنوشت آن سیاست‌ها و توفیق یا عدم توفیق آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مجمع‌الجزایر اندونزی، هلند، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های اخلاقی.

۱. گروه مطالعات اسلامی و جهان معاصر، جامعه المصطفی العالمیه، تهران، ایران. sm_miri@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸



مقدمه

اندونزی به عنوان بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان در جنوب شرقی آسیا و شمال اقیانوسیه (میان اقیانوس‌های هند و اقیانوس آرام) قرار دارد و شامل بیش از ۱۷۰۰۰ جزیره از جمله سوماترا، جاوه و سولاوسی است. این کشور، با پاپوآ گینه نو، تیمور شرقی و مالزی و مرزهای دریایی آن با سنگاپور، ویتنام، تایلند، فیلیپین، استرالیا، پالاو و هند، مرز زمینی دارد.

این مجمع‌الجزایر دارای سابقه تمدنی دیرپایی است. حداقل ۳۰۰ سال قبل از میلاد، هندی‌ها دین هندویسم را در آن جا گسترش داده‌اند. کتاب حماسه منظوم هند به نام رامایانا (Ramayana) به حضور هفت قدرت سلطنتی در منطقه جاوه^۱ اشارت دارد که به احتمال قوی دست کم برخی از این قدرت‌ها هندو بوده‌اند. (اسعدی، ۱۳۶۶: ۲۷۸-۲۷۷)

در حوالی قرن دوم میلادی نیز هندی‌ها مکتب بودیسم را به این منطقه عرضه کردند. در دوره حضور قدرت‌مند هندیان که تا سال ۱۶۰۰ م، طول کشید دو امپراتوری سری ویجایا در سوماترا^۲ و تنگه مالاکا (۷۰۰-۱۲۰۰ م) و ماجاپاهیت در منطقه جاوه (۱۳۰۰ تا حدود ۱۴۶۵) در این سرزمین شکل گرفتند. (Indonesia- Investments, 2022: 69)

در باره چگونگی و زمان ورود اسلام به این منطقه نظریات مختلفی وجود دارد. آنچه به صورت قطعی می‌توان گفت: این است که از آثار موجود در آن منطقه، از جمله قبر اولین حاکم مسلمان سامودرا (سلطان ملک‌الصالح)، می‌توان دریافت، که در تاریخ ۱۲۹۷ م، اسلام در این منطقه حضور جدی داشته است. گزارش بازدید ابن بطوطه، در حدود سال ۷۴۳ ه‍.ق / ۱۳۴۵ م، نیز نشان می‌دهد که منطقه جاوه توسط حاکم مسلمان شافعی مذهب اداره می‌شده است. (Ricklefs, 2008: 21-22)

اسلام در طول سه قرن به عنوان آیین جدید گسترش یافت و تدریجاً حکومت‌های نوظهور اسلامی جایگزین حکومت‌های قبلی شد به گونه‌ای که در زمان تصرف آمبون^۳ توسط هلندی‌ها (۱۶۰۵ م) بسیاری از مردم مناطق اندونزی فعلی، مسلمان شده بودند. (اسعدی، پیشین: ۲۸۸-۲۹۰) در آغاز قرن شانزدهم، قدرت‌های استعماری اروپا هم‌چون: پرتغال، اسپانیا، هلند و انگلیس در صدد برآمدند بر ادویه با ارزش جزایر ملوک^۴ که کاربردهای فراوانی دارد دسترسی یابند. پرتغالی‌ها اولین اروپایی‌هایی

۱. مهم‌ترین جزیره کشور اندونزی که شهر جاکارتا، پایتخت اندونزی در آن قرار دارد.

۲. بزرگ‌ترین جزیره کشور اندونزی.

۳. جزیره‌ای واقع در استان اندونزی و در فاصله حدود ۲۴۰۰ کیلومتری جاکارتا واقع شده‌است.

۴. واقع در اندونزی که قسمت‌هایی از آن در فاصله حدود ۱۷۰۰ کیلومتری جاکارتا واقع شده‌است.

بودند که در سال ۱۵۱۰م، وارد این جزایر شدند و آن‌ها را اشغال کردند. (Ricklefs, 2008: 40-43) پرتغالی‌ها با جدیت تمام به تبلیغ گسترده مسیحیت کاتولیک پرداختند و هیات‌های تبشیری خود را ابتدا به «ترناتی»^۱ و اطراف آن و سپس به منطقه آمبون و سایر مناطق اعزام کردند و بسیاری از افراد را به سوی مسیحیت سوق دادند و در مدت کوتاهی چهار کلیسای مهم تاسیس کردند. نه تنها این رویه ادامه پیدا کرد، بلکه گسترش یافت و به عرصه‌های آموزشی و سیاسی نیز ورود کردند. تاسیس مدارس فراوان کاتولیک و نیز تاسیس حزب کاتولیک هند شرقی از جمله نتایج این فعالیت‌هاست. (بن رحمانی، ۱۴۰۷: ۳-۴)^۲

اگرچه پرتغالی‌ها به دلیل رفتار وحشیانه و نیز تلاش برای تغییر دین مردم به مسیحیت کاتولیک مورد نفرت قاطبه مسلمانان قرار گرفتند (Vlekke, 1945: 71-77) و با مقاومت نسبی آنان مواجه شدند و با توجه به حضور رقیب متاخر و هوش‌مند آنان یعنی استعمار هلند، نتوانستند موفقیت زیادی داشته باشد؛ اما بیش و کم تأثیرات فرهنگی خود را در منطقه به‌خصوص در آمبون داشتند. حضور آن‌ها حدود ۱۵۰ سال به طول انجامید. (Vlekke, 1945: 71-77) (Ricklefs, 2008: 46)

انگلیسی‌ها هم در پایان قرن شانزدهم به اندونزی آمدند و در سال ۱۶۰۱م، کار تجاری خود را با تجارت فلفل جاوه آغاز کردند، اما وجود رقیب قوی هلندی، مجال چندانی برای ظهور و بروز آنان نگذاشت. هلندی‌ها هم که با اندونزی روابط تجاری داشتند پس از سودهای سرشاری که از تجارت ادویه به‌دست آوردند در سال ۱۵۹۲ دست به تاسیس کمپانی متحد هند شرقی (VOC) زدند. (Ricklefs, 2008: 45) پارلمان هلند انحصار تجارت و فعالیت‌های استعماری در منطقه را به این شرکت اعطا کرد و از این زمان به بعد، کمپانی با توجه به اختیارات حکومتی، قضایی و نظامی که به‌دست آورده بود به نهادهای قدرت‌مند تبدیل شد و توانست در کنار سایر وظایف محوله، به‌مقابله با پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و انگلیسی‌ها در منطقه بپردازد. (Nathan, 2020: 2)

هدف این پژوهش که براساس روش توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتاب‌خانه‌ای شکل گرفته است، تبیین سیاست‌های فرهنگی استعمار هلند در طی حضور خود در این کشور و نیز تحولات و پیامدهای این سیاست‌هاست.

منظور از سیاست‌های فرهنگی عبارت از مجموعه قوانین، برنامه‌های و اقداماتی است که دولت‌ها در حوزه فرهنگی به‌کار می‌گیرند و هدف شان دستیابی به وضعیت مطلوب در این زمینه است. این

۱ شهری در استان ملوک شمالی که در فاصله حدود ۴۳۰۰ کیلومتری جاکارتا است.

۲ برای توضیح بیش‌تر در این زمینه رک (مغفور عثمان، ۱۹۸۴: ۳۷-۴۲ و ۹۱-۹۳) و (مسلم ناسوتیون، ۱۹۸۷: ۱۵۴-۱۴۴)

اقدامات که تأثیرات مستقیم یا غیر مستقیم بر زیست فرهنگی مردم دارد می تواند به شکل مداخله، نظارت یا اجتناب از هرگونه دخالت در حوزه فرهنگ روی دهد. (Bennett, 1992؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۲۸۶ و نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۰) این سیاست ها به دلیل گستردگی حوزه فرهنگ، عرصه های متنوعی هم چون: اندیشه، سبک زندگی، اخلاق و... را شامل می شود.

۱. پیشینه تحقیق

تا کنون در زمینه تاریخ حضور استعمار در مجمع الجزایر اندونزی آثار ارزش مندی به زبان فارسی هم چون: کتاب «تاریخ جدید اندونزی» (ریکلفس، ۱۳۷۰)، «تاریخ جوامع اسلامی» (لاییدوس، ۱۳۷۶) و «نهضت های نوین اسلامی در اندونزی» (دلپار نوئر، ۱۳۷۰) منتشر شده است؛ اما تحقیقی که به صورت مستقل و روش مند، با تمرکز بر سیاست های فرهنگی استعمار هلند به پیامدها و واکنش های مرتبط با آن پردازد یافت نشد.

در میان آثار انگلیسی نیز احمد، برهان الدین و ناتان به تأثیرات فرهنگی و سیاسی استعمار هلند بر اندونزی پرداخته اند که تفاوت های مضمونی و یا رویکردی قابل توجهی با مقاله حاضر دارند

. (Ahmad, 2019) (Burhanudin, 2014) (Nathan, 2020: 4)

۲. مراحل تاریخی حضور استعمار هلند، در مجمع الجزایر اندونزی

تاریخ حضور استعمار هلند در مجمع الجزایر اندونزی را به لحاظ اعمال گونه های مختلف سیاست در این منطقه می توان به چهار مرحله تقسیم کرد:

۱.۲. مرحله ورود به اندونزی (۱۶۰۲-۱۶۱۹)

در این مرحله، هلندی ها سعی می کنند تا منطقه های مورد نظر خود را تصرف کنند و گروه های داخلی و قوای خارجی که می توانند مشکل ساز باشند را مطیع سازند. اینان به تدریج قسمت هایی از جاوه، سوماترا و جزایر مالوکو را به تصرف در آوردند و این مناطق به «هند شرقی هلند» معروف شد. در سال ۱۶۱۹م، شهر جاکارتای فعلی را تصرف کردند و به تدریج بسیاری از مناطق را به اشغال خود در آوردند. در این دوره عده ای از مردم و برخی حکومت های مسلمان به دلیل نفرت از پرتغال، تجارت خود را منحصر به VOC کرده بودند. Ricklefs,

(Nathan, 2020: 2, 9 2008: 48-49) و اسعدی، پیشین: ۲۹۰-۲۹۱)

سیاست هلند در این دوره

سیاست هلندی‌ها در این دوره، افزون بر تصرف مناطق و غلبه بر رقیبان خارجی و داخلی‌شان، این است، که برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود، برخی مدیران کاتولیک را برکنار کند و با ممنوعیت تبلیغ برخی از گروه‌های تبلیغی مسیحیت کاتولیک که احیاناً با اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها، همدلی‌هایی داشتند، زمینه‌های رشد خود را فراهم کند. (Nathan, 2020: 4)

۲.۲. مرحله تثبیت (۱۶۱۹-۱۸۴۲م)

در این مرحله، هلندی‌ها همچنان به تدریج قلمرو حاکمیت خود را در اندونزی توسعه دادند و در سال‌های ۱۶۴۱ تا ۱۶۶۷م، توانستند مناطق مالاکا، ماکاسار سولاوسی^۱ و بنادر سوماترا را نیز تحت کنترل خود درآورند و اندکی پس از سال ۱۹۱۶م، با به‌دست آوردن امتیازات تجاری در امتداد سواحل شمال شرقی جاوه تبدیل به یکی از ثروتمندترین استعمارگران گردیدند. (Ricklefs, 2008: 40-44)

در سال ۱۶۲۱م، پس از پیروزی هلندی‌ها بر انگلیسی‌ها و تسلط بر جزایر باندا^۲ معاهده‌ای به تصویب رسید که انحصار VOC در تجارت را به رسمیت می‌شناخت. در عین حال این معاهده آزادی دین را برای همه از جمله مسلمانان، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها وعده می‌داد. این برای مسلمانان بدان معنا بود که قرار است مسیحیت، هویت دینی آن‌ها را مورد هجوم قرار دهد. (Nathan, 2020: 5)

اگرچه کمپانی در قرن ۱۸م، مدیریت تجارت بین جزایر را به‌عنوان بخشی از تجارت آسیایی خود به‌دست گرفت، اما در اواخر این قرن، به‌دلیل فساد و سوء مدیریت و قرض فراوان ورشکست شد. در نتیجه حکومت هلند در سال ۱۷۹۸م، کمپانی را منحل کرد و خود مستقیم اموال و دارایی کمپانی و اداره امور را در اختیار گرفت. (اسعدی، پیشین: ۲۹۱)

با اشغال هلند توسط ناپلئون، انگلیس اکثر جزایر تحت تصرف هلند را به مدت پنج سال (۱۸۱۵-۱۸۱۱) به اشغال خود درآورد و در سال ۱۸۱۶م، بار دیگر در اختیار هلند قرار گرفت. در سال ۱۸۲۴م، براساس قرارداد با انگلیس، سراسر مجمع‌الجزایر اندونزی، به استثنای آچه^۳، تحت مدیریت هلند بود.

(Stammford Raffles, 2010: Vol I, Pg xxiii)

مشکلات مالی، هلند را به فکر بهره‌کشی بیش‌تر از کشاورزان جهت کار اجباری و اخذ مالیات انداخت

۱ مرکز استان سولاوسی جنوبی اندونزی که در فاصله ۱۵۷۶ کیلومتری جاکارتا واقع است.

۲ بخشی از استان ملوک در اندونزی که در فاصله ۱۸۳۰ کیلومتری جاکارتا واقع است.

۳ یکی از استان‌های اندونزی که در راس شمالی جزیره سوماترا واقع شده و در فاصله حدوداً ۱۷۹۴ کیلومتری جاکارتا واقع است.

و اجرای آن، برای هلندی ها و همدستان اندونزیایی آن ها ثروت هنگفتی به دنبال آورد. براساس این برنامه که «نظام زراعی» نام داشت کشاورزان می باید ضمن پرداخت معادل دوینجم محصولات سالانه یا یک پنجم اراضی خود به عنوان مالیات به حکومت (هلند) می باید هفته ای یک روز بدون دستمزد برای مزارع دولتی کار کنند. این رویه تا سال ۱۸۷۰ م، ادامه یافت. (Ricklefs, 2008: 153-159)

۱.۲.۲. واکنش مردم

بر اثر سیاست های هلندی ها، مردم بومی، خوش بینی خود را به آنان از دست دادند و آنان را همانند پرتغالی ها دشمن هویت اسلامی و ملی خود تلقی کردند و بر این اساس اسلام، معیار و مبانی وحدت مسلمانان برای مقابله با استعمار گردید. افزون بر این، سفر تعدادی از مسلمانان به عربستان برای زیارت خانه خدا و فرا گرفتن علوم دینی، آنان را با تعالیم اصلاح طلبان مسلمان آشنا ساخت؛ درک هویت اسلامی آنان را بالا برد و آنان را از مخالفت سایر مسلمانان جهان با استعمارگران اروپایی آگاه کرد. اینان در بازگشت براساس احساس مسؤولیت دینی تلاش می کردند هم دین مردم را اصلاح کنند و هم راهی را برای مقابله با استعمار باز کنند. (لاییدوس، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۵۸-۲۶۰)

شروع فعالیت مسلمانان علیه استعمار، موجب نگرانی شدید هلندی ها و توسل به ابزارهای خشونت آمیز علیه آنان شد. یک نمونه از مقاومت مسلمانان در برابر توسعه طلبی هلندی ها در مینانگ کابائو^۱ به رهبری برخی از حجاج پیش گفته بود که به جنبش پادری^۲ معروف شد. این نهضت اصلاح طلبانه در سال های ۱۸۰۴-۱۸۰۳ م، شکل گرفت و تا حد زیادی متأثر از وهابیت بود که در آن ایام، دهه های آغازین حضورش در سرزمین عربستان را تجربه می کرد. جنبش پادری براساس رویکرد پیش گفته هم با رهبران عادت^۳ درگیر بود و هم با استعمار هلندی. در نهایت هلند این جریان قوی را در سال ۱۸۳۸ م، شکست داد. (Ahmad, 2019: 248-249 و نوئر، ۱۳۷۰: ۳۷-۳۵)

نمونه دیگر، مقاومت مردم در سال های ۱۸۲۵-۱۸۳۰ م، به رهبری دیبونگورو^۴ بود که با همدلی

۱. واقع در سوماترای غربی و در فاصله حدوداً ۱۲۰۰ کیلومتری جاکارتا، واقع است.

۲. جنبش پادری، حرکت احیایگرانه اسلامی در مینانگ کابائو بود که در ابتدای سده ۱۹ م / ۱۳ ق آغاز شد. طرفداران این جنبش ابتدا به مخالفت با جنبه هایی از فرهنگ بومی، هم چون: قماربازی و اعتیاد و سهل انگاری در انجام واجبات اسلامی پرداختند و در ادامه مبارزه با استعمار هلند را وجهه همت خود قرار دادند. (Ahmad, 2019: 248-249 و نوئر، ۱۳۷۰: ۳۷-۳۵)

۳. عادت در منطقه جنوب شرق آسیا، به هنجارها و قوانین عرفی، محلی و سنتی و نیز سیستم های حل اختلافی اشاره دارد که توسط جوامع این منطقه تنظیم میشوند و رفتار مردم تا حد قابل توجهی بر اساس آن شکل می گیرد. (Keanne: 1997)

دولت استعماری هلند در اندونزی، از این هنجارها و قوانین که در برخی موارد با قوانین و هنجارهای اسلامی مغایر بوده است به عنوان یک ابزار، بهره برداری های فراوان می کرده است.

۴. دیبونگورو (۱۷۸۵ - ۱۸۵۵ م)، شاهزاده اهل جاوه و مخالف حکومت استعمار هلند بود. او نقش مهمی در جنگ علیه استعمار در جاوا در

و همراهی رهبران دینی مسلمان ضربات سختی را بر هلند تحمیل کرد. از ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۹م، نیز موارد دیگری از قیام‌های مردمی به وقوع پیوست. (نوئر، ۱۳۷۰: ۳۵ و لاییدوس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۶۲۶)

۲.۲.۲. سیاست‌های این دوره

۱.۲.۲.۲. سیاست مسیحی‌سازی

اگرچه مسیحی‌سازی برای کمپانی که اهداف اقتصادی داشت در اولویت نبود؛ اما می‌باید الزامات حکومت هلند را که یکی از آن‌ها گسترش مسیحیت بود تن دهد. از این‌رو، به اعزام مبلغان کالوینیست^۱ مسیحی و نیز اجازه به مبلغان کاتولیک به مناطق مختلف پرداخت. (Niemeijer, 2001:260)

این سیاست از آن جهت می‌توانست برای دولت هلند مفید باشد که مسیحی شدن مردم بومی، به‌طور طبیعی هم موجب همدلی، وفاداری و انقیاد بیش‌تر آنان نسبت به کمپانی و کشور هلند می‌شد و هم مانعی برای رشد مقاومت در مناطق اشغالی و یا در حال اشغال دولت هلند می‌بود.

در سال ۱۸۳۵م، براساس مقررات اعلامی از سوی ملکه ویلهلمینای اول، گروه‌های تبشیری مسیحی به جاوه و امبون اعزام شدند و پس از مدتی دستگاه اجرایی کلیسا در جاکارتا تحت نظارت فرماندارکل قرار گرفت. بدین ترتیب کلیسا ابزاری شد برای زمینه‌سازی حضور پر قدرت دولت هلند و در مقابل دولت هلند نیز با حمایت خود زمینه‌های نفوذ و تأثیر کلیسا را فراهم می‌کرد.

تسهیلات فراوان، کمک به ساخت کلیساهای جدید، پرداخت حقوق به مبلغان و مدارس و یتیم‌خانه‌ها و بیمارستان‌های وابسته به کلیسا از جمله این حمایت‌هاست. این سیاست با همه فراز و نشیب‌هایش تا سال ۱۹۳۵م، (زمان استقلال کلیسا از دولت) و بلکه بعد از آن ادامه داشت. طبیعی بود که چنین کمک‌هایی بر مسلمانان سخت‌گرا می‌آمد و سیاست مسیحی‌سازی را اهانتی به هویت دینی و بلکه ملی خود می‌دانستند و طبعاً موجبات نفرت بیش‌تر مردم از هلندی‌ها و بلکه غربی‌ها را فراهم آورد. (نوئر، پیشین: ۲۰۷-۲۰۹ و ۲۱۴)

۲.۲.۲.۲. سیاست آموزش مقامات هلندی

با توجه به شرایط پیچیده و مشکلات فراوان پیش آمده برای استعمار از جمله ظهور اسلام سیاسی و جریان

سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰ داشت، وی پس از شکست و دستگیری، به ماکاسار (در فاصله حدود ۱۵۵۰ کیلومتری جاکارتا) تبعید شد و در همان‌جا درگذشت. (Van der Kroef, 1949: 424-450)

۱. کالوینیسم شاخه‌ای مهم از مذهب پروتستانتیسم است که بر اندیشه‌های جان کالوین (الیهیدان و کشیش اصلاح طلب مسیحی ۱۵۰۹-۱۵۶۴م) استوار است. این گرایش در قرن شانزدهم از کلیسای کاتولیک رومی جدا شد. (Muller, 2006:320-321)

مقاومت در برابر استعمار، که برخی از آن ها ناشی از بی تجربگی و عدم درک درست مدیران استعماری از منطقه و فرهنگ مردمان آن جا بود. هنگامی که دولت هلند جایگزین کمپانی در اداره اندونزی شد و کنترل منطقه را به دست گرفت، تلاش کرد تا مسؤولان مربوطه به مطالعه جغرافیا، تاریخ، زبان، فرهنگ، قوانین حقوقی اسلامی و دیگر ویژگی های مستعمره خود بپردازند. برای دستیابی به چنین هدفی، در سال ۱۸۴۲ م، آکادمی سلطنتی را در هلند برای آموزش کارمندان دولتی مستعمره تاسیس کردند. (Nathan, 2020:6)

۳.۲.۲.۲. سیاست حمایت و بهره گیری از رهبران محلی و اشراف در برابر رهبران دینی

بزرگان و اشراف جاوه به دو گروه تقسیم می شدند: پربایی ها که مقید به ارزش های فرهنگی بومی بودند و بر جاوه حکمرانی می کردند و کیایی ها که رهبری دینی مردم را بر عهده داشتند و بر ایمان و عقاید اسلامی و وجوه عبادی و اجتماعی اسلام تاکید می کردند.

در اواخر این دوره هلندی ها سعی کردند با جذب اشراف پربایی در تشکیلات استعماری هلند، هم از نفوذ آنان در میان مردم و سایر ظرفیت های آنان استفاده کنند و هم میان آنان و رهبران دینی (کیایی ها) که استعمار از آنان نگران بود جدایی بیافکنند. لازم به ذکر است در جنبش پادری نیز هلندی ها با در مقابل هم قرار دادن رهبران دینی و این افراد، از این گروه دوم برای پیروزی خود استفاده کردند. (Ahmad, 2019: 248) در جنگ آنچه که در دوره بعد ذکر می شود نیز شبیه این تقابل آفرینی، اتفاق افتاد. (Vickers, 2005:13 و Burhanudin, 2014: 27-29)

اما واکنش مسلمانان نسبت به این سیاست ها برخلاف انتظار استعمار بود. رعایت بیش تر ضوابط شرعی، اهتمام به سفر حج، احداث مدارس، عضویت در موسسات مبتنی بر اتحاد و برادری اسلامی، گرایش بیش تر به جنبه های اجتماعی اسلام و ارتقای جایگاه آن نسبت به فرهنگ بومی (عادت)، احترام بیش تر مردم به کیایی ها و مبلغان دینی و افزایش تعداد آنان، انزجار فزاینده نسبت به هلند و... از جمله این واکنش ها بود.

هلند در این مقطع با استفاده از همین رهبران محلی محدودیت های موقتی را برای مسلمانان در امر حج و مانند آن ایجاد کرد که البته در دوره بعدی در این روش تجدید نظر کرد. (Ahmad, 2019: 249) و لایپدوس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۶۲۹-۶۲۸ و ج ۲، ۲۵۸-۲۶۱)

۳.۲. مرحله سیاست های اخلاقی (۱۸۴۲-۱۹۰۶ م)

در این دوره دامنه مقاومت مردم در مقابل هلندی ها گسترده تر شد. در منطقه آنچه مسلمانان به رهبری عالمان دینی در برابر هلندی ها ایستادگی کردند (۱۸۷۳-۱۹۰۴) و خسارات فراوانی را بر آنان تحمیل کردند. دولت هلند جنایات وحشیانه ای را مرتکب شد و در نهایت این منطقه را تصرف کرد. (Alfian, 2001:131-133) (Ricklefs, 2008: 168-172) در عین حال، مقاومت مردمی آنچه علیه سلطه

هلند تا سال ۱۹۴۲ ادامه یافت.

شورش مسلمانان در بانتن^۱ در سال ۱۸۸۸ م، به رهبری عالمان علیه دشمن خارجی، نیز از اتفاقات این دوره است. در این شورش، نقش شبکه کیایی‌ها، مدارس شبانه روزی دینی (پسانترن‌ها) و طریقت‌های صوفی در بسیج مردم بسیار قابل توجه است. این شورش به دلایلی هم‌چون: فقدان سازماندهی و برنامه‌ریزی صحیح بزودی شکست را تحمل کرد. (Kartodirdjo, 1966:180-181) در سال‌های آغازین قرن بیستم سیاست‌های هلند در اندونزی تغییرات چشم‌گیری کرد؛ زیرا از سویی اجرای سیاست‌های درهای باز و لیبرالیستی دولت هلند که منفعت طلبی شرکت‌های خصوصی را به دنبال داشت، موجب کاهش زمین‌های قابل کشت در جاوه و فقر مردم شده بود و زمینه‌های قحطی را منطقه فراهم آورده بود که این‌ها به نوبه خود می‌توانست موجب افزایش شورش و جنبش در اندونزی شود. (نوئر، پیشین: ۲۰۱-۲۰۰)

از سوی دیگر، شکست لیبرال‌ها در انتخابات پارلمان هلند در انتخابات ۱۹۰۱ و مخالفت سوسیالیست‌ها با ادامه‌ی بهره‌کشی کشاورزان توسط بخش خصوصی و نیز حضور روزافزون قدرت‌های جهانی رقیب هلند در منطقه مانند تسلط بریتانیا بر سنگاپور، شبه جزیره مالایا و برمه، حضور فرانسه در کامبوج و لائوس، سلطه آمریکا بر فیلیپین و بالاخره حضور امپراتوری ژاپن در منطقه کار را بر هلند دشوار کرده بود.

در چنین شرایطی، سیاست‌های هماهنگ با زمان مورد نیاز بود، تا هلند بتواند با تجدید حیات سیاسی و مهار بحران‌های داخلی و خارجی، تسلط خود را بر مجمع‌الجزایر به‌عنوان مستعمره حفظ کند و آن عبارت بود از طرحی جدید به نام «سیاست‌های اخلاقی» که می‌باید جایگزین اصول لیبرالیستی قبلی می‌شد. این سیاست که با صدور قانون عدم تمرکز، در سال ۱۹۰۴ م، به مرحله اجرا رسید عملاً شکل جدید و بازسازی شده استعمار هلند بر اندونزی بود و شعار آن، رفاه مردم بومی بود که می‌بایست از طریق توسعه آموزشی، آبیاری و مهاجرت، حاصل شود و همین موجب بقای استعمار هلند در انجام شد.

از سوی دیگر، دولت هلند احساس کرد برای کنترل هرچه بهتر مستعمره خود، افزون بر آموزش کارمندان لازم است که آگاهی‌های بیش‌تری را کسب راجع به محیط تحت کنترل خود داشته باشد. طبعاً چنین کاری نیاز به افراد و سازمانی اهل اطلاع و تحقیق داشت تا بتوانند در زمینه تحقق چنین هدفی مشورت و راهنمایی‌های لازم را در مورد مردمان بومی به مدیران مستعمره ارائه کند. (Sumarno,

۱ استانی در جزیره جاوه با فاصله حدود ۱۲۰ کیلومتر از جاکارتا.

(2019: 389) این سازمان^۱ در سال ۱۸۹۹م، تاسیس شد. طبعاً با رسمیت یافتن «سیاست اخلاقی» از سوی ملکه ویلهلمینا در سال ۱۹۰۱م، این دفتر فعال تر شد.

فعالیت اصلی کار این دفتر مدیریت امور دینی اعراب حاضر در اندونزی و نیز تمامی ادیان و مذاهب را به جز مسیحیت و نیز تحقیق درباره اسلام بود. این مرکز با حضور تعدادی افراد صاحب نظر، در واقع مرکزی بود برای سیاست گذاری و تصمیم سازی برای دولت هلند، رصد پیامدهای سیاست های دولت در برخورد با مردم اندونزی و به ویژه مسلمانان، نظارت بر فعالیت های مردم و گروه های مختلف و ارتباطات آنان با هم و در عین حال مطالعه و تحقیق پیرامون زبان، فرهنگ، اعتقادات و تاریخ مردم. هدف این فعالیت ها کمک به دولت بود برای مدیریت و کنترل بهینه کشور مستعمره. (Suminto 1985: 99-100, 107-110)

دولت هلند برای تحقق این هدف، هشت مشاور داشت که تأثیرات زیادی در سیاست هلندی ها در قبال مردم داشتند. در این میان اسنوک هورگرونیة^۲ برترین آنان بود. او قبلاً زبان و ادبیات عرب را در دانشکده ادبیات دانشگاه لیدن آموخته بود و با معرفی خود به عنوان مسلمان عرب اهل مغرب، به عربستان رفته و مدت شش ماه در مکه مانده و به پژوهش و مطالعه پرداخته بود. : Steenbrink, 2006 (88) در سال ۱۸۹۱م، وی به عنوان مشاور زبان های شرقی و حقوق اسلامی و هشت سال پس از آن به عنوان مشاور بومیان و اعراب منصوب شد، که تا سال ۱۹۰۶م، ادامه داشت. وی در طول خدمت خود با هند شرقی هلند، نقش مهمی در حل مشکلات دولت استعماری داشت.

وی با تأکید بر لزوم جدایی کامل بین مناسک اسلامی و اسلام سیاسی معتقد بود که اسلام به عنوان یک عمل در مناسک و آداب و رسوم بی خطر است و تنها در صورتی که به عنوان یک آموزه سیاسی مطرح شود تهدیدی برای دولت محسوب می شود. به اعتقاد وی دولت استعماری هلند، باید سیاست هایی را به کار گیرد که فرهنگ اندونزیایی، پیوستگی با فرهنگ هلندی یابد و رنگ غربی به خود گیرد و در نتیجه دل بستگی مسلمانان به اسلام سیاسی را از بین ببرد. (Ahmad, 2019: 244-246) او معتقد بود برخورد نرم با مسلمانان غیر سیاسی، تمرکز بر بر فرهنگ بومی (عادت) در برابر فرهنگ اسلامی، حمایت از اشراف محلی در مقابل رهبران اسلامی، آموزش غربی به آنان، به کارگیری آنان به عنوان

1. Het Kantoor voor Inlandsche Zaken

۲. کریستین اسنوک هورگرونیة Christiaan Snouck Hurgronje (۱۸۵۷ - ۱۹۳۶) مستشرق برجسته هلندی و پژوهش گر فرهنگ ها و زبان های شرقی بود. در سال ۱۸۸۰ در لیدن پایان نامه دکتری خود را در موضوعی مرتبط با شهر مکه به پایان رسانید و سپس به عنوان استاد در لیدن به آموزش کارمندان دولت استعماری مشغول به کار شد. او بیش از ۱۴۰۰ مقاله در مورد وضعیت آچه و جایگاه اسلام در اندونزی و نیز خدمات مدنی استعمار نوشت. (Benda, 1958)

کادر اداری دولت استعماری، و... می‌تواند تدریجاً اسلام را در این منطقه کمرنگ کند. (Benda, 1958: 341)

سیاست‌های این دوره

۱.۳.۲. سیاست پیوستگی

سیاست همگون‌سازی و یا پیوستگی به این معنا که فرهنگ مستعمره را به فرهنگ کشور هلند با ارزش‌های غربی پیوند داد. یعنی ارزش‌های فرهنگی کشور استعمارگر به مردم منطقه منتقل شود بی‌آن‌که فرهنگ خود آن مردم به کلی کنار گذاشته شود. شرط موفقیت این طرح و پذیرش مردم این بود که تغییرات به‌صورتی تدریجی و غیر اجباری صورت گیرد. این سیاست اگرچه مورد پذیرش همه هلندی‌های دست اندرکار و اندونزیایی‌ها واقع نشد؛ اما اجرای آن کارکردهای قابل توجه و موفقی داشت. برخی از سیاست‌هایی که بعداً ذکر می‌شود بسترهای مناسبی برای تحقق این سیاست بودند. (Ahmad, 2019: 245-247)

۲.۳.۲. سیاست مسیحی‌سازی

در مورد سیاست مسیحی‌سازی دو دیدگاه وجود داشت. یکی دیدگاه هورگرونیه بود. او معتقد بود که اسلام در منطقه اگرچه موجب شکل‌گیری هویت مسلمانان و مایه پیوند آنان است، ولی توجه عمده آنان به جنبه‌های مناسکی و برخی قوانین غیرسیاسی مانند (ازدواج، ارث و...) معطوف است. حال حمایت دولت از سیاست مسیحی‌سازی در مناطق مسلمان نشین می‌تواند موجب واکنش منفی و نفرت مسلمانان نسبت به هلند شود و آنان به اسلام سیاسی روی آورند. (نوئر، پیشین: ۲۰۰-۲۰۴) به‌جای این کار اگر دولت تلاش خود را به سیاست آموزش و پیوستگی فرهنگی آنان به فرهنگ هلندی مصروف کند، آنان خودشان دست از اسلام می‌کشند و این همان چیزی است که مبلغان مسیحی در پی آن هستند؛ یعنی آمادگی مسلمانان برای مسیحی شدن.

در مقابل، دیدگاه حمایت از مسیحی‌سازی مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان بود که کارگزاران دولت از آن حمایت می‌کردند با این توجیه که مسیحی شدن مردم موجب می‌شود که آنان به‌طور طبیعی نسبت به دولت هلند وفادارتر باشند. (نوئر، پیشین: ۳۸-۳۷) این دیدگاه دوم بود که مبنای عمل دولت قرار گرفت؛ زیرا از سویی دستیابی به نتایج پیشنهاد هورگرونیه، در صورت اجرا، نیاز به زمان طولانی داشت و ثانیاً سیاست مسیحی‌سازی چیزی بود که ملکه در خطابه خود در هنگام اعلام سیاست اخلاقی ۱۹۰۱ بر آن تاکید کرده بود:

«هلند به‌عنوان یک ملت مسیحی موظف است وضع مسیحیان بومی را در مجمع‌الجزایر هند شرقی بهبود بخشد و به فعالیت‌های تبلیغی مسیحی بیش‌تر کمک کند.» (نوئر، پیشین: ۲۰۰-۲۰۴)

به همین دلیل بود که مسلمانان معتقد بودند که «سیاست اخلاقی» و آزادی ادیان به نفع مسیحیان است. در این دوره میسیونرهای مسیحی فعالیت خود را در زمینه های، بهداشتی و اجتماعی بیش تر از آموزشی کردند. (Sumarno, 372-373: 2019)

۳.۳.۲. سیاست حج

هلندی ها نگران بودند که سفر حج مسلمان باعث شود افکار و شور ضد استعماری و استقلال طلبی سایر مسلمانان به منطقه منتقل شود؛ زیرا اندونزیایی ها در طول اقامت خود در مکه آگاهی های بیش تری نسبت به اسلام داشته باشند. گذشته از اندیشه وهابیت، صدای اصلاح طلبی مصریان نیز در عربستان طنین انداز شده بود و اندونزیایی ها را تحت تأثیر قرار می داد. ۳۶ بنابراین، سفر زیارتی توسط دولت در سال ۱۹۰۸م، برای مدت کوتاهی تقریباً ممنوع شد؛ اما هورگرونیة این سیاست را ناکارآمد می دانست و معتقد بود به جای آن ضمن نظارت بر تمام فعالیت ها از جمله ارتباطات مسلمانان در حج، باید به روش هایی که به غیرسیاسی شدن مسلمانان می انجامد، هم چون: تقویت اشراف و میانه روهای مسلمان در برابر جریان مقاومت، روی آورد. (Benda, 1958: 341)

۴.۳.۲. سیاست حمایت از قانون عادت و گسترش آن

این ایده نیز که توسط هورگرونیة پیشنهاد شد به معنای تشویق اندونزیایی ها - به ویژه مسلمانان - به التزام به ارزش ها و قوانین بومی بود که در موارد قابل توجهی به خصوص در مساله ارث با احکام اسلامی مغایر است. باور هلندی ها این بود که این سیاست موجب می شود، اسلام مسلمانان صرفاً در حد حضور در مساجد و برخی مناسک محدود شود و برای استعمار خطری نداشته باشد. اهتمام به این امر نتایج مطلوبی را برای استعمار داشت. (Steenbrink, 2006:91)

۳/۵. ادامه سیاست حمایت از اشراف محلی در مقابل عالمان و به کارگیری آنان

این سیاست به این معنا بود که در مناطقی مانند آنچه که مرکز مسلمانان و عالمان سیاسی بود باید ضمن ایجاد تفرقه و شکاف میان آنان با اشراف و رهبران محلی از این گروه کمک گرفت و به تضعیف اسلام سیاسی پرداخت و در جنگ آنچه چنین هم شد و در نتیجه جنگ با پیروزی هلندی ها خاتمه یافت. (1904-1873 و (Burhanudin, 2014: 27-29) (Vickers, 2005: 13) در این جنگ هورگرونیة با اخذ فتوی و حکم از برخی روحانیون و شخصیت ها مبنی بر لزوم پذیرش استعمار و مخالفت با مقاومت، کمک مهمی به پیروزی هلندی ها کرد. (Ali, 2004: 91-122)

۵.۳.۲. سیاست آموزشی

در این دوره، اهمیت آموزش برای هلند آشکارتر گردید و در چارچوب سیاست اخلاقی، آموزش بومیان براساس سیستم آموزش غربی به طور جدی مطرح شد. اگرچه تمام حامیان سیاست اخلاقی موافق افزایش تعلیم و تربیت برای مردم اندونزی بودند، لیکن در این که نوع آموزش و نیز افرادی که قرار است آموزش ببینند اختلاف نظر وجود داشت. هورگرونیو و همفکرانش معتقد به آموزش اشراف بودند و این روش را مطمئن ترین ابزار برای کاهش نفوذ اسلام در منطقه می دانستند؛ اما کسانی هم چون: فرماندار کل ون هیوتز معتقد بودند آموزش باید برای عموم مردم و به طور مستقیم صورت بگیرد.

هدف اصلی دولت نه ارتقای مردم، بلکه پرورش نیروهایی بود که همدلانه و با حقوق به مراتب کمتر از کارمندان هلندی، خدماتی مناسب را برای استعمار ارایه دهند. مضافاً این که این نیروهای بومی متأثر از فرهنگ غربی می توانستند در فرهنگ اجتماعی گروه های فرودست منطقه تأثیر بگذارند و از گسترش اسلام سیاسی و جریان مقاومت در برابر استعمار جلوگیری کنند. افزون بر این، با توجه به رشد رسانه های خبری و نیاز به افراد تحصیل کرده، این افراد می توانستند در این زمینه نیز کمک کار باشند. (Ricklefs, 2008: 194-195)

۴.۲. مرحله پایان سیاست های اخلاقی و افول هلند (۱۹۰۶-۱۹۴۵م)

سیاست های اخلاقی در اواسط این دوره خاتمه یافت در حالی که نتوانست به اهداف مورد نظر به طور کامل دست یابد. عوامل مختلفی در مورد پایان یافتن این سیاست ها نقش داشت. کساد اقتصادی ناشی از هزینه های بالای دولت در سال ۱۹۳۰ و وضع مالیات های سنگین که موجب تنزل شدید سطح رفاه مردم گردید، رشد فعالیت های سیاسی مردم و اختناق سیاسی شدید توسط دولت همراه با بازداشت و تبعید تعدادی از رهبران مردمی (در سال های بین ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۷م) از جمله این عوامل بود. با این همه، پایان تمامی امیدها به این سیاست ها، سال ۱۹۴۲م، بود که ژاپنی ها با حضور خود در منطقه به سلطه استعماری هلند خاتمه دادند. (Ricklefs, 2008: 199-200)

سیاست های اخلاقی در زمینه آموزش نخبگان بومی هم که تا حدود سال ۱۹۳۰ اجرا می شد به دلایل پیش گفته و نیز مقاومت مردم برای حفظ فرهنگ بومی و تعداد محدود این مدارس در قیاس با انبوه جمعیت بومی، تا حد زیادی ناموفق بود. (Ahmad, 2019: 245-246)

نکته مهم این که اگرچه سیاست آموزشی، افرادی غرب گرا و همدل با فرهنگ غربی را به وجود آورد؛ ولی از سوی دیگر، زمینه پیدایش اتفاقات ذیل شد که برخلاف اهداف هلندی ها بود:

الف. بالا رفتن قدرت تشخیص و تحلیل مردم نسبت به استعمار.

ب. رشد بیداری ملی و روحیه مقاومت در برابر استعمار به گونه ای که بسیاری از تربیت شدگان این مدارس و علاقه مندان به غرب که از اشغال کشورشان توسط هلند رنج می بردند، در صف مقابله با دولت قرار گرفتند و برخی از آن ها حتی نهضت های ملی مقابله با استعمار را رهبری کردند. ناسیونالیسم اندونزیایی در عین حال واکنشی بود از سوی اشراف پربایی در مقابل از میان رفتن اقتدار و امتیازات اشرافی از دست رفته و با تمایل به احیای فرهنگ و سنت های پیشین. پربایی های تحصیل کرده با تأثیر از جنگ ها و جنبش های ناسیونالیستی هندی و مانند آن در پی افزایش آگاهی سیاسی و فرهنگی مردم برآمدند. انجمن بودی اوتومو^۱ در سال ۱۹۰۸ م، براساس همین هدف تأسیس شد و در سال ۱۹۱۷ م، با ورود به مرحله سیاسی درخواست خود مختاری و برقراری رژیم پارلمانی کرد. (لاییدوس، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۶۱)

ج. واکنش مسلمانان برای ایجاد مدارس مدرن اسلامی؛ زیرا توسعه آموزش غربی برای اندونزی به مردم مسلمانان آموخت که چگونه می توان سیستم های آموزشی مدرن بومی را ایجاد کرد که در عین برخورداری از مزیت های مدرن و غربی، در راستای فرهنگ اسلامی و بومی و نیز نیازهای مردم باشد. تأسیس موسسات آموزشی وابسته به سازمان اسلامی محمدیه که بعدها به سرعت در سراسر کشور فراگیر شد تجلی چنین ایده ای بود. (Ahmad, 2019: 245-246 و Sumarno, 2019: 383-384) مضافاً این که مدارس دینی سنتی به سرپرستی کیایی ها و عالمان هم چنان توده های وسیعی از مسلمانان را برای آموزش پوشش می دادند و در نتیجه توانستند جایگاه اجتماعی خود را در جوامع محلی مربوطه حفظ کنند و حتی افزایش دهند. (Huis, 2015: 119-124)

سیاست های این دوره

۱.۴.۲. اجازه تأسیس سازمان های غیرمخالف

با رفتن هورگرونیه از منطقه (۱۹۰۶) هلندی ها سیاست های لیبرال تری را برای تأسیس سازمان هایی که تهدیدی برای آنان نباشد، در پیش گرفتند. نتیجه ناخواسته این امر، ظهور گسترده اسلام سیاسی و نیز ناسیونالیسم سکولار در قالب حزب کمونیست و غیر آن بود که همگی در مخالفت با استعمار همدستان بودند و توانستند به سرعت مردم را به خود جذب کنند. قابل توجه این که برخی از افراد موثر در شکل گیری برخی از این سازمان ها خود تعلیم یافته مدارس هلندی و

۱ - سازمان ملی گرای اندونزی که هم بر پذیرش نهادهای سیاسی و اجتماعی غربی و هم حفظ فرهنگ جاوه ای تأکید داشت. این سازمان اگرچه به سرعت گسترش یافت، ولی در سال ۱۹۳۵ م، منحل گردید. <https://www.britannica.com/topic/Budi-Utomo>

قبلا از نیروی‌های دولت بودند. سازمان اصلاح‌گرای محمدیه در سال ۱۹۱۲م، تأسیس شد و هدفش اصلاح در اسلام موجود در اندونزی و مقابله با جریان مسیحی‌سازی مبلغان غربی و رفع عقب ماندگی مسلمانان از طریق تأسیس مؤسسات آموزشی مدرن بود. (Nathan, 2020: 9) سازمان‌الارشاد در ۱۹۱۵ و پرساتوان اسلام در ۱۹۲۳ تأسیس شدند که جنبش‌های اصلاح‌طلب مسلمانان بودند که می‌خواستند اسلام اندونزیایی را براساس کتاب و سنت مدرن کنند و در عین حال بدعت‌ها را در جامعه از بین ببرند. تأسیس سازمان سنت‌گرای نهضت‌العلماء در سال ۱۹۲۶م، که هدفش مقابله با سازمان‌های اصلاحات طلب الهام گرفته از عربستان بود مورد استقبال هلندی‌ها قرار گرفت به این امید که مانعی برای رشد اسلام‌گرایی سیاسی باشد. این سازمان‌ها همگی به نوعی در ظهور جنبش استقلال طلبانه نقش داشتند. (Fealy, 1996: 12-13 و Feillard, 1999: 19-30)

افزون بر این پیدایش و طرح دیدگاه‌های مدرن برخی مسلمانان دیگر نیز، در این زمینه موثر بود. در سال ۱۹۱۱م، اتحادیه صنفی مسلمانان (شرکت اسلام)، (SI) که ابتدا برای حمایت و تقویت منافع تجاری مسلمانان تأسیس شد، توانست با جذب طرفداران زیادی در سال ۱۹۱۸م، به یک سازمان سیاسی عمومی تبدیل شود و در موضوعات حساسی مانند حق رای مردم و نیز نافرمانی مدنی و مقاومت در برابر اخذ مالیات، خدمات اجباری برای دولت استعماری و...، وارد شود. (Huis, 2015: 126-127) این سازمان از مسلمانان دارای گرایش‌های مختلف از جمله عالمان و کیایی‌های محلی و سوسیالیست‌ها تشکیل شده بود؛ اما اختلافات داخلی ناشی از تفاوت گرایش‌های اعضا به اسلام‌گرایی، سکولاریسم و کمونیسم، این جریان را تا حدی تضعیف کرد. در سال ۱۹۲۷م، حزب ناسیونالیست اندونزی PNI به رهبری سوکارنو اولین رئیس جمهور آینده جمهوری اندونزی و متشکل از پربایی‌های تحصیل کرده تأسیس شد که به دنبال ایجاد یک جمهوری مستقل مدرن بود. و البته دیدگاه‌های متفاوتی با سازمان‌های اسلامی پیش گفته داشت. (Ricklefs, 2008: 221)

۲.۴.۲. کنترل آموزش‌های سنتی

تلاش دیگر برای افزایش کنترل بر عالمان و کیایی‌ها، ارایه قانون «گورو (Guru)» در سال ۱۹۰۵م، بود که براساس آن همه معلمان دینی، از جمله کیایی‌ها و عالمان، باید مجوز تعلیم داشته باشند و علاوه بر این که مجاز به فعالیت در امور سیاسی و کشاورزی نباشند. (Huis, 2015: 123-125) این سیاست تنها شکاف بین دولت استعماری و نخبگان مذهبی محلی را افزایش داد و به‌طور فزاینده‌ای آن‌ها را بر آن داشت تا مستقل از سیاست‌های دولت عمل کنند و در عین حال مرجعیت محلی در امور مذهبی را تحکیم کنند. (Newland, 2000: 199-222)

۳.۴.۲. تقویت رهبران محلی و میسیونرهای مسیحی

در این دوره دولت استعماری واگذاری برخی مسؤولیت‌ها همچون حق نظارت بر مراحل قانونی ازدواج به پربایی‌ها و مجال فعالیت بیش‌تر میسیونرهای مسیحی برای تأسیس مدارس و مانند آن

سعی کرد قدرت روحانیان و رهبران دینی را کاهش دهد. (لاییدوس، پیشین: ج ۲، ۲۷۲-۲۷۱)

۴.۴.۲. مقابله با سازمان ها و جریان های سیاسی

با توجه به ظهور سازمان های سیاسی پیش گفته، دولت در صدد مقابله با آن بر آمد. در دهه ۱۹۳۰م، توانست با ممنوعیت فعالیت برخی سازمان ها و تبعید رهبری آن ها، تا حدی مخالفان را مهار کند و در سال ۱۹۴۰م، گردهمایی های سیاسی را ممنوع کرد؛ ولی در مقابل، از سویی احزاب و جریان ها هم با شعارهای استقلال طلبانه، ضد استعمار و نظام پارلمانی، حرکت علیه استعمار را دنبال کردند. (همان: ج ۲، ۲۷۱-۲۷۰) از سوی دیگر، گرایش بسیار زیاد مردم حتی در روستاها به جنبش های اسلامی و ملی، جنبش ها هم چنان ادامه داشت که در نهایت به شکست هلند منجر شد.

۳. پایان حضور استعمار هلند

اتفاق مهمی که در شکست استعمار هلند نقش بسیار مهمی داشت، تصرف اندونزی توسط امپراتوری ژاپن در سال ۱۹۴۲م، - پس از اشغال هلند توسط آلمان در جنگ جهانی دوم- بود که تا سال ۱۹۴۵م، ادامه داشت. در ابتدا، اکثر اندونزیایی ها از ژاپنی ها به عنوان نیروی رهایی بخش از استعمار هلند، استقبال کردند. ژاپن نیز توانست همه جنبش های مسلمان اعم از سنت گرایانی چون: نهضت العلماء و اصلاح طلبانی هم چون: سازمان محمدیه را در چارچوب حزب ماشومی گردآورد که حامیان آن، ایده ایجاد یک دولت اسلامی مستقل اندونزی را دنبال می کردند.

افزون بر این، ژاپن توانست جریان مقابله نظامی با هلند را از طریق آموزش نظامی به مردم جهت مبارزه با دولت استعماری هلند سازماندهی کند. هم کاری حزب ماشومی با ملی گراها نیز در این مبارزات موفق نقش داشت. (VanHuis, 2015:129-135) در سال ۱۹۴۵م، ژاپنی ها هم کنار رفتند و سوکارنو، جمهوری مستقل اندونزی را اعلام کرد. (Horton, 2016: 127 و Friend, 2003: 33)

نتیجه‌گیری

بررسی سیاست‌های مختلف هلند در مراحل چهارگانه پیش گفته نشان می‌دهد که این سیاست‌ها وابسته به شرایط و عوامل مختلفی هم‌چون: تغییر وضعیت سیاسی و اقتصادی در داخل این کشور، وجود رقبای استعماری در منطقه، سطح توان‌مندی فکری و ذهنی و نیز اتفاق نظر و یا تشتت آرای سیاست‌گذاران، واکنش مردم منطقه و... بوده است.

برخی از نمونه‌ها عبارتند از: شکست سیاست‌های لیبرالی در هلند و روی کار آمدن جریان سیاسی ضد لیبرال که موجب تغییر سیاست‌های قبلی و اجرای طرح «سیاست‌های اخلاقی» در منطقه گردید؛ اشغال هلند به دست فرانسه که موجب واگذاری مناطق استعماری به انگلستان (به مدت پنج سال) شد؛ سیاست‌های نرم و روادارانه در زمینه انجام مناسک اسلامی، آموزش نخبگان بومی توسط دولت برای دستیابی بهتر به اهداف استعماری، ایجاد تفرقه میان نخبگان و تضعیف رهبران مسلمان مقاومت که ناشی از قدرت فکری هورگرونیه بود، هجوم وحشیانه و کشتار مردم به دست دولت که ناشی از مقاومت مردم بود و...

البته این سیاست‌ها گاهی همراه با انعطاف بوده و گاهی در نهایت سخت‌گیری و گاهی هم با حذف سیاست قبلی و جایگزینی سیاست دیگر و نیز برخی از این سیاست‌ها ثابت بوده و در همه‌ی این چهار دوره وجود داشته است (مانند اجرای سیاست مسیحی‌سازی) و برخی هم متغییر بوده و سیری تحولی داشته است.

نکته دیگر این که در مراحل آغازین، هدف اصلی هلند، تسلط بر منابع و مناطق جهت بهره‌برداری اقتصادی نیز مسیحی‌سازی مردم (به عنوان هدف ثانوی) بوده و هرگاه که ضرورت داشته، از قهر، غلبه، خشونت و سرکوب مردم کوتاهی نشده است؛ اما در مراحل بعدی، هلندی‌ها نگاهی جامع‌تر و گسترده‌تر برای حفظ این تسلط، رویکردی نرم، فرهنگی و بنیادی‌تر را در پیش گرفته اند. بیش‌تر ایده‌های هورگرونیه براساس همین رویکرد متاخر است. مواردی هم‌چون: حفظ ظاهر و شکل دین و از میان بردن روح و معنای آن، تلاش برای نشان دادن جدایی دین از سیاست، ایجاد جامعه دوقطبی نخبگان و نیز استفاده از شخصیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی دینی و ملی در جهت اهداف استعماری، تلاش برای تغییر هویت مردم به سوی فرهنگ غربی و... از نمونه‌های نسبتاً موفق این سیاست‌هاست.

بر این اساس، اتخاذ رویکردها و سیاست‌های نرم در برخی موارد، برخلاف شعارهای هلندی‌ها، نه به دلیل انسان دوستی، آزادی‌خواهی و مانند آن بوده است، بلکه صرفاً بدین جهت بوده که هلندی‌ها

تصور می کرده اند، با این روش ها بهتر می توانند منافع خود را تامین کنند.

نکته قابل توجه در خصوص مواجهه مردم با این سیاست های استعماری این است که به رغم آن که ابزارهای فرهنگی و آموزشی غربی، تأثیرات منفی فراوانی را در منطقه به جای گذاشت؛ ولی در موارد مهمی مردم تهدیدهای فرهنگی دشمن را به فرصت تبدیل کردند. نظام آموزشی جدیدی که توسط سازمان محمدیه براساس فرهنگ اسلامی ایجاد شد، نمونه ی قابل توجهی از این امر است. نکته دیگر، حساسیت منفی هلندی ها به مسلمانان منطقه در قیاس با غیر مسلمانان بومی است. البته بخش عمده ای از این امر، مربوط به مقاومت مردم مسلمان در برابر تجاوزات آنان است؛ ولی افزون بر آن، رویکرد خصمانه تاریخی اروپایی ها نسبت به اسلام نیز در این حساسیت دخیل بوده است.

علت این خصومت، از سویی فتوحات مسلمانان بود که تا قبل از شروع قرن دوم هجری، توانستند قلمروی خود را از ناحیه ای تا اندلس و از ناحیه دیگر، تا منطقه سند گسترش دهند و از سوی دیگر، بدفهمی ها و نیز انتشار اتهامات دروغ و ناروا بر ضد اسلام توسط برخی نویسندگان مسیحی شرقی در قرن اول و دوم بود. طبعاً عکس العمل رهبران دینی مسیحی غربی که با کمک حاکمان مسیحی، جنگ های صلیبی را طی دو قرن پنجم تا هفتم هجری علیه مسلمانان طراحی کردند، به نوبه ی خود نتایج تلخ و خون باری را برای مسلمانان، یهودیان و خود مسیحیان به دنبال داشت و کینه ها و دشمنی ها را بیش تر کرد. این دشمنی و در عین حال نگرانی، با دستیابی خلافت عثمانی به اروپا که با فتح بالکان در سال ۱۳۵۴م، شکل گرفت و در قرن های بعدی افزایش یافت. (اسعدی، ۱۳۸۱: ۴-۱۵ و اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲، ۴-۲)

بر این اساس، اسلام ستیزی به عنوان یک اصل، پیوسته مورد تأکید کلیسا و دولت های غربی بود. سخن ملکه ویلهلمنا که پیش تر آمد نیز دلیلی بر این امر است.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۸)، دایره‌المعارف جهان‌نویین اسلام، تهران، نشر کنگره، ج ۲.
۲. اسعدی، مرتضی (۱۳۶۶)، جهان اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱.
۳. _____ (۱۳۸۱)، مطالعات اسلامی در غرب (انگلیسی زبان)، تهران، سمت.
۴. بن رحمانی، محمد صالح (۱۴۰۷/۱۳۶۶)، رساله درجه ماجیستر، الرياض، جامعه محمد بن سعود الاسلامیه.
۵. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲)، فرهنگ‌شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره.
۶. عثمان، مغفور (۱۹۸۴/۱۳۶۳)، التبشیر و آثاره فی اندونسیا فی القرن الرابع عشر الهجري، الرسالة العلمیة لنیل الدرجة الدكتوراه، مکه المکرمة.
۷. لاییدوس، ایرا ام (۱۳۷۶)، تاریخ جوامع اسلامی: قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. ناسوتیون، مسلم (۱۹۸۷/۱۳۶۶)، العلمانیة فی اندونسیا، الرسالة العلمیة لنیل الدرجة الدكتوراه، مکه المکرمة، جامعه ام‌القری.
۹. نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر مدیریت فرهنگی، تهران، نشر ساقی.
۱۰. نوئر، دلیار (۱۳۷۰)، نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

ب. منابع انگلیسی و اندونزیایی

11. Ahmad, Nadzrah, (2019), "Indonesian Islam During the Reign of Colonialism (1600-1942)", *Journal of Islam in Asia*, 16:237-57. <https://doi.org/10.31436/jia.v16i1.785>.
12. Alfian, Ibrahim, (2001), "Aceh and the Perang Sabil", *Indonesian Heritage, Early Modern History*, Vol. 3, Singapore: Editions Didier Millet.
13. Ali, Mufti, (2004), "A Study of Hasan Mustafa's 'Fatwa'", *Journal of the Pakistan Historical Society*, Vol. 52, Issue 2.
14. Burhanudin, Jajat, (2014), "The Dutch Colonial Policy on Islam", *Al-Jami'ah: Journal of Islamic Studies*, 52, No. 1: 25-58. Doi: 10.14421/ajis.2014.52.1.25-58.

15. Benda, Harry J., (1958), "Christian Snouck Hurgronje and the Foundation of Dutch Islamic Policy in Indonesia", *The Journal of Modern History*. The University of Chicago Press.
16. Bennett ,T,(1992) Patting policy of Cultural studies,(in) Cultural studies Grooberg L. et al (ed.), London: Rutledge.
17. Huis, Stijn Cornelis van, (2015), "Islamic Courts and Women's Divorce Rights in Indonesia", Leiden.
18. Fealy, Greg, Wahab Chasbullah, (1996), "Traditionalism and the Political Development of the Nahdlatul Ulama.", *Nahdlatul Ulama, Traditional Islam and Modernity in Indonesia*, edited by Greg Barton and Greg Fealy, chapter 1, Clayton, VIC: Monash Asia Institute.
19. Feillard, A., (1999), *NU vis-à-vis negara: Pencarian isi, bentuk dan makna*, Yogyakarta, LKIS & The Asia Foundation.
20. Friend, Theodore, (2003), *Indonesian Destinies*, Belknap Press of Harvard University Press.
21. Horton, William Bradley, (2016), *History Unhinged: World War II and the Reshaping of Indonesian History*, Tokyo, Waseda University.
22. *Indonesia-Investments*, (2022), *Indonesian Investments Report*, <https://www.indonesia-investments.com/culture/religion/item69>.
23. Kartodirdjo, Sartono, (1966), *The Peasants' Revolt of Banten in 1888: Its Conditions, Course and Sequel: A Case Study of Social Movements in Indonesia*, The Hague: Martinus Nijhoff.
24. Keanne, Webb (1997), *Signs of Recognition: Powers and Hazards of Representation in an Indonesian Society*, University of California Press.
25. Muller, Richard A. (2006). *Dictionary of Latin and Greek Theological Terms: Drawn Principally from Protestant Scholastic Theology* (1st ed.). Baker Book House.
26. Nathan, John Franklin, (2020), *Islam and the Dutch in the East Indies: Oppression or Opportunity?*, *The European Legacy*, 25:5, 572-587.
27. Newland, L., (2000), "Under the banner of Islam: Mobilising religious identities in West Java", *The Australian Journal of Anthropology*, 11: 2.
28. Niemeijer, Hendrik E., (2001), "Dividing the Islands: The Dutch Spice Monopoly and Religious Change in 17th Century Maluku", *The Propagation of*
29. Raffles, Thomas Stamford, (2010), *The History of Java*, Vol. 1; Cambridge Library Collection.
30. Steenbrink, K. A., (2006), *Dutch colonialism and Indonesian Islam: contacts and conflicts, 1596-1950*, Rodopi.

31. Sumarno, R. Aji, Eko Hermawan, (2019), Ethical Politics and Educated Elites in Indonesian National Movement, 10.2991/icss-19.2019.170.
32. Suminto, H. Aqib, (1985), *Politik Islam Hindia Belanda*, Jakarta, Lembaga Penelitian Pendidikan Dan Penerangan Ekonomi Dan Sosial.
33. Van der Kroef, J. (1949). Prince Diponegoro: Progenitor of Indonesian Nationalism. *The Journal of Asian Studies*, 8(4).
34. Vickers, Adrian (2005), *A History of Modern Indonesia*, Cambridge, Cambridge University Press.
35. Vlekke, Bernard H. M., (1945), *The Story of the Dutch East Indies*, Cambridge, MA: Harvard University Press.